گزارش

گوشه‌ای از تاریخ مشهد در نزدیکی حرم مطهر قرار دارد که مدت‌هاست انبار ضایعات شده است

حال ناخوش مسجد جعفری

حسن احمدی‌فرد | از کاسبی که اول صبحی، چهارپایه گذاشته و جلو مغازه‌اش نشسته می‌پرسم:
-نمی‌دانید مسجد جعفری کجاست؟
جایی را در پایین‌دست کوچه نشان می‌دهد و می‌گوید:
-آنجاست.
واضافه می‌کند:
-البته دیگر مسجد نیست.
و کلمه‌ای را در توصیف وضعیت فعلی مسجد می‌گوید که شرمم می‌آید بنویسمش....
مسجد جعفری در خیابان وحدت ۲۹ در بافت اطراف حرم مطهر، از مسجدهای قدیمی است؛ آن‌قدر که در یکی دو سند از اسناد قاجاری، از این مسجد نامی آمده در روزگار ناصری. من اما نامش را در یکی دو مصاحبه تاریخ شفاهی از پیرمردهای محله وحدت شنیده‌ام. این‌ها هم که نباشد، کتیبه سنگی مسجد گواه تاریخی است که بر آن گذشته. حالا اما سخت بشود مسجد جعفری را پیدا کرد؛ تابلو قدیمی رنگ‌پریده بالای در اگر نباشد، هیچ نمی‌شود حدس زد که این بنای تقریباً مخروبه، همان مسجد تاریخی است. کتیبه‌های سنگی اما تأیید می‌کنند که اینجا مسجد جعفری است؛ یا دست‌کم روزگاری مسجد جعفری بود.

■ لعنت‌نامه همچنان در دیوار مسجد است

دو کتیبه سنگی محراب‌مانند هنوز در دیوار بیرونی مسجد جا دارند؛ یکی متن وقف‌نامه مسجد است و دیگری شعری که لابد همان اطلاعات وقف‌نامه را به نظم درآورده. هر دو کتیبه، در قسمت‌های پایینی مخدوش شده و خوانا نیست؛ اما همان قسمت‌های بالایی هم دانسته‌های ذی‌قیمتی دارد از مسجدی که یک وقتی مسجد بزرگ و باشکوهی بوده و حالا دیگر چیزی از آن شکوه برایش باقی نمانده است. کتیبه سمت راست، عنوان جالبی دارد «سنگ لعنت‌نامه» و احتمالاً متن هشداری بوده نسبت به تغییر مفاد وقف‌نامه؛ متنی که حالا دیگر آن‌قدرها پیدا نیست؛ «در عهد پادشاه... آستان، ناصرالدین شاه قاجار، خلدالله ملکه،... کدخدایان و ریش‌سفیدان... بقال و عصار... در خصوص مالیات... باب دکان...».
کتیبه سمت چپ اما درمجموع خواناتر است و دانسته‌هایی را مکتوب کرده درباره «کربلایی حسن بیات» که مغازه‌هایی را وقف کرده برای مسجد. در زمان شهنشه دوران ناصرالدین شه... جنات
شکر لله که یافت این توفیق
از در فیض قاضی الحاجات
کربلایی حسن، به وجه حسن
که در و جمع بود این حسنات
دید چون این جهان ما دون است
جز در دوست نیست... نجات
در بیت کرم گشود آخر
بود چون از قبایل بایات (بیات)
گشت بانی مسجد و برکه (؟)
خضر دوران برای آب حیات
شش دکان وقف نمود...
چون فرشته... کنار فرات

■ دکان‌ها مانده‌اند؛ مسجد نمانده

مسجد، بالاخانه دکان‌هایی است که وقف شده‌اند برای مسجد؛ چیزی از مسجد اما به جا نمانده جز در چوبی‌اش. در باز می‌شود رو به پله‌ها. بالاتر، حیاط مسجد است که احتمالاً وضوخانه‌ای هم داشته و بنایی قاجاری که چیزی از آن به جا نمانده. محوطه‌ای که تا همین دهه‌ها شبستان مسجد بوده، ظاهراً در روزگار پهلوی بر جای بنای قاجاری ساخته شده بود؛ شبستانی با سقف شیروانی که حالا آن هم به تمامی از بین رفته و تنها بخش کوچکی از پایین محراب به جا مانده است.
مسجد حالا صرفاً محوطه‌ای است بالای مغازه‌ها؛ پشت بامی که پر شده از ضایعات و دورریختنی‌ها. آت و آشغال‌ها تلنبار شده‌اند پای درختی که از حیاط روییده و بالا آمده. در اتاق پاگرد پله‌ها هم پلاستیک پهن کرده‌اند برای نان‌خشکه‌ها... و انگار نه انگار که اینجا مسجد است. مگر گذشت زمان می‌تواند جایی را که وقف مسجد شده و رقبه وقفی و وقف‌نامه دارد، از مسجد بودن بیندازد؟ مسجدی در فاصله‌ای نزدیک به حرم مطهر با کتیبه‌هایی تاریخی.
کاش کسی از نهادهای متولی توضیح بدهد چطور می‌شود که رقبه وقفی (یعنی مغازه‌ها) باقی مانده باشد و اصل موقوفه (یعنی مسجد) نمانده باشد؟ مگر درآمد آن رقبه‌ها نمی‌بایست در حفظ و نگهداری و حتی احیای موقوفه هزینه می‌شد؟ پس چرا حالا مکان مقدس مسجد، تبدیل به جایی برای دپو ضایعات شده است؟

حسن احمدی فرد

در گفت‌وگو با پدر و مادر شهید مرزبانی که دو پسر سرباز در جنگ رمضان داشتند مطرح شد

جنایت آمریکا آرزوهای امیرمهدی باغیرت را ناتمام گذاشت

فریده خسروی | نخستین دقایق شروع جنگ تحمیلی رمضان در ۹ اسفند ماه ۱۴۰۴ بود، سه سرباز خراسانی در پسابندر چابهار در حال خدمت بودند؛ سه دوستی که خدمت مقدس سربازی، آن‌ها را با هم آشنا کرده بود، آشنایی‌ای که تا بهشت ادامه پیدا کرد.
شهید امیرمهدی قربانی یکی از این سه سرباز خراسانی بود که در ۲۱ دی ماه ۱۳۸۵ در روستای میرآباد نیشابور به دنیا آمد. پدر و مادرش منتظر جشن تولد ۲۰ سالگی فرزند کوچکشان بودند تا پس از اتمام سربازی، لباس دامادی را به تنش ببینند؛ اما رژیم تروریستی و تجاوزکار آمریکا با حمله به محل استراحتش در پادگان، همه آرزوهای رنگین این خانواده را به غمی کمرشکن تبدیل کرد.
برای آنکه گرد غربت از چهره این شهید مرزبان جنگ رمضان بزداییم، به سراغ پدر و مادرش رفتیم تا از امیرمهدی بگوییم و بشنویم.
عباسعلی قربانی که پدر شهید امیرمهدی قربانی است، درباره کودکی فرزند شهیدش می‌گوید: امیرمهدی مانند همه بچه‌ها در کودکی و نوجوانی شیطنت‌های خودش را داشت، در دوران راهنمایی معلمش وقتی من را می‌دید می‌گفت: «امیرمهدی در کلاس زیاد شوخی می‌کند و کلاس را به هم می‌ریزد». وقتی کلاس ششم بود، مادرش به من می‌گفت: «امیرمهدی درس نمی‌خواند و از مدرسه که می‌آید، کیفش را می‌اندازد». با وجود این، نمرات و معدلش خوب بود. من به همسرم می‌گفتم: «بگذار سیکلش را بگیرد تا برای استخدام در کارخانه یا شرکتی بتواند اقدام کند».
او ادامه می‌دهد: بعد از آنکه سیکلش را گرفت، به او گفتم: «مردانه به من بگو آیا علاقه به تحصیل داری یا نه؟ اگر نمی‌خواهی درس بخوانی، برو یک کار فنی یاد بگیر». امیر مهدی در پاسخ گفت: «بابا من علاقه‌ای به تحصیل ندارم، می‌خواهم یک کار فنی را شروع کنم». یکی از بچه‌های روستایمان در زمینه نقاشی ماشین‌های سنگین کار می‌کرد و امیرمهدی را پیش او فرستادم تا کار یاد بگیرد. دو سه سالی بود که با او کار می‌کرد و در کار خودش مهارت زیادی داشت.
قربانی که دو فرزند پسر دارد، درباره ماجرای سربازی رفتن بچه‌ها یادآور می‌شود: پسر بزرگم امیرحسین در اردیبهشت ۱۴۰۴ به سربازی رفت و یک ماه بعد هم امیرمهدی برای سربازی به چابهار اعزام شد. از مسئولان نظامی پرسیدم: «امکان ندارد یکی از پسرانم برود، سربازی‌اش که تمام شد، بعد پسر دیگرم برود؟» گفتند: «نمی‌شود، باید هر دو به سربازی بروند. فقط می‌تواند تا شهریور نرود، بعد برود تا اضافه خدمت نخورد». به امیرمهدی گفتم می‌توانی تا شهریور سربازی نروی. او جواب داد: «نه بابا می‌خواهم بروم تا زودتر سربازی‌ام را تمام کنم». به او گفتم: «پس با یکی از دوستانم صحبت کنم تا سربازی‌ات در نیشابور بیفتد». امیرمهدی پاسخ داد: «نه می‌خواهم شهرهای دور باشم تا سربازی‌ام زودتر تمام شود».
پدر شهید امیرمهدی قربانی با اشاره به اینکه پسر بزرگم برای سربازی به بخش قرقری سیستان و بلوچستان اعزام شده بود، بیان می‌کند: به خاطر سهمیه ایثارگری که داشتم، می‌توانستم برای یکی از پسرانم چند ماه معافیت سربازی بگیرم. به امیرمهدی که گفتم، جواب داد: «آن را برای امیرحسین استفاده کن. محل خدمت من خوب است، محل خدمت او جای سختی است».
او درباره ویژگی بارز فرزند شهیدش عنوان می‌کند: پسرم خیلی باغیرت بود و روی حجاب مادرش حساسیت داشت. گاهی اوقات که مادرش بدون چادر و با مانتو تا در خانه می‌رفت، امیرمهدی به مادرش می‌گفت: «چرا چادر سرت نکردی؟» مادرش پاسخ می‌داد: «مادر جان! کسی در کوچه بن‌بست ما نیست که من را ببیند». امیرمهدی در جوابش می‌گفت: «نه باید چادر سرت باشد».
قربانی خاطرنشان می‌کند: پسرم هیچ‌وقت در مورد خطرات محل خدمتش و اینکه اگر جنگی پیش بیاید، شاید برایش اتفاقی بیفتد، چیزی نمی‌گفت. تنها سه چهار روز قبل از شهادتش به مادرش گفته بود: «من چند روزی به شما زنگ نمی‌زنم، شما هم به من زنگ نزنید». بعد از آنکه جنگ شروع شد و امیرمهدی به شهادت رسید، متوجه شدیم به خاطر اینکه ناوهای آمریکایی نزدیک شده بودند و احتمال می‌دادند جنگ شروع شود، این حرف را به مادرش گفته بود. به خاطر اینکه ما نگرانش نشویم، اصلاً درباره این مسائل به ما حرفی نمی‌زد.
پدر شهید امیرمهدی قربانی درباره ترس پسرش می‌گوید: امیرمهدی خیلی از خون می‌ترسید. هر وقت در بازی‌هایی که انجام می‌داد، زمین می‌خورد، گریه نمی‌کرد؛ اما اگر متوجه می‌شد سر و بدنش خونی شده گریه می‌کرد. چند روز پیش با قاب عکس امیرمهدی درد دل می‌کردم و می‌گفتم: «تو اگر می‌دانستی یک روز جوری شهید می‌شوی که دو پایت قطع می‌شود، از خون می‌ترسیدی؟»

■ کمر ما با شهادت امیرمهدی شکست

اقدس برفرازی، مادر شهید امیرمهدی قربانی با بیان اینکه امیرمهدی زمانی که سربازی رفته بود، خیلی به من تلفن می‌زد و پیام می‌داد، اظهار می‌کند: آخرین باری که پسرم برای مرخصی به خانه آمده بود، به او گفتم: «چند نفر از دوستانت در روستا دعوا کرده‌اند و کارشان به دادگاه کشیده است». در جواب گفت: «مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است». پرسیدم: «یعنی چی؟» گفت: «اگر مردی شهید شود، بهتر از آن است که بمیرد یا دعوا کند و به زندان بیفتد». گفتم: «شهید شدن یعنی چی؟ این چه حرفی است که می‌زنی؟» وقتی دید با این حرفش به گریه افتاده‌ام، گفت: «شوخی می‌کنم. شهادت چیست؟ من باید بیایم به شما و بابا خدمت کنم. بعد داماد بشوم و کت و شلوار دامادی بپوشم».
او ادامه می‌دهد: امیرمهدی همیشه از روستا به مشهد و از آنجا به چابهار می‌رفت. یک بار به او گفتم: «مهدی تو هیچ وقت من را به مشهد نمی‌بری. می‌خواهم از آنجا بدرقه‌ات کنم». امیر مهدی پاسخ داد: «اگر می‌خواهی بیایی آنجا و جلو مردان نامحرم با من روبوسی کنی، من اصلاً به سربازی نمی‌روم». بعد ساکش را دم در خانه گذاشت و گفت: «من نمی‌روم. از همین‌جا با هم روبوسی می‌کنیم و بعد من با بابا می‌روم». پسرم همین قدر باغیرت بود و مردانگی داشت.
مادر شهید امیرمهدی قربانی خاطرنشان می‌کند: زمانی که امیرمهدی سر کار می‌رفت، هفته‌ای یک میلیون تومان درآمد داشت. با همین مبلغ برای خودش کفش و لباس می‌خرید. بعضی اوقات به او می‌گفتم: «امیرمهدی پول لازم نداری؟» می‌گفت: «نه مامان لازم ندارم. شما اگر پولی لازم دارید، بگویید تا بدهم». از زمانی که کار می‌کرد حتی یک هزار تومانی از ما نمی‌گرفت. او یک وام خانگی ۵۰ میلیون تومانی داشت و قسطش را با همان یک میلیونی می‌داد که در هفته می‌گرفت. همان هفته‌ای که خبر شهادتش را به ما دادند، وام خانگی هم به اسمش افتاد. ما هم آن پول را برای مراسمش خرج کردیم.
برفرازی درباره خوابی که از الهامات مادرانه است، می‌گوید: زمستان پارسال دو سه روزی امیرمهدی به من تلفن نزد. نگرانش شده بودم. خواب دیدم که در روستایمان سیل شدیدی آمده و آب به داخل خانه‌مان رسیده است. دو گاو چاق هم در بیرون خانه داشتند آب‌ها را می‌خوردند؛ اما چیزی از آب‌ها کم نمی‌شد. با دیدن این خواب نگرانی‌ام بیشتر شد و با حال بدی از خواب بیدار شدم. اول به امیرحسین زنگ زدم و گفتم: «جای شما اتفاقی افتاده؟» گفت: «نه اینجا مشکلی نیست». گفتم: «خوابی دیدم که نگرانت شدم. فکر کردم برایت اتفاقی افتاده است». بعد به امیرمهدی زنگ زدم. او اخلاقی داشت که وقتی اتفاق بدی می‌افتاد، چیزی نمی‌گفت و می‌خندید. بعد کم‌کم تعریف می‌کرد که چه اتفاقی افتاده است. آن روز هم کم‌کم به من گفت در پادگانشان سیل آمده و تخت‌های پایینی خوابگاه زیر آب رفته است.
او ادامه می‌دهد: امیرمهدی تعریف می‌کرد: «خواب بودم که حس کردم تشکم خیس شده است. وقتی بیدار شدم و دیدم چه اتفاقی افتاده، جناب سرهنگ همه را از خواب بیدار کرد و گفت سیل آمده، بیدار شوید. ما هم بیدار شدیم. الان داریم آب‌ها را با تی از خوابگاه بیرون می‌ریزیم و من سالم هستم». بعد هم تماس تصویری گرفت و فیلم فرستاد تا من را آرام کند.
مادر شهید قربانی با بیان اینکه کمر ما با شهادت امیرمهدی شکست، عنوان می‌کند: از وقتی پسرانم را به سربازی فرستادم، همیشه با خودم می‌گفتم خدا کند تا سربازی این‌ها تمام می‌شود، جنگی پیش نیاید؛ اما از چیزی که می‌ترسیدم، به سرم آمد.

معاونت اجتماعی مرزبانی خراسان رضوی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول
(شرکت تعاونی چند منظوره ثامن سبز بوم به شماره ثبت ۱۳۰۱۸)

به اطلاع سهامداران محترم می رساند مجمع عمومی عادی سال مالی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ نوبت اول ساعت ۹ صبح مورخه ۱۴۰۵/ ۹/۲ در محل اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری خراسان رضوی به آدرس وکیل آباد ۳۰ تشکیل میگردد . **دستور جلسه** به شرح ذیل میباشد:
۱ - استماع گزارش هیئت مدیره و بازرسین شرکت
۲ - طرح و تصویب گزارش مالی منتهی به ۱۴۰۵/۰۶/۳۱
۳ - تصویب تغییرات به عمل آمده در سرمایه و سهام شرکت
۴ - تصویب و اتخاذ تصمیم نسبت به تعیین ذخایر قانونی و تقسیم سود سهام
۵ - تصویب بودجه پیش بینی شده و منابع مالی برای سال مالی ۱۴۰۶-۱۴۰۵
۶ - تصویب فروش آپارتمان دعبل خزاعی ، یک قطعه زمین پروژه پردیسان ، سهام شرکت در پروژه اقاقیا به منظور سرمایه گذاری در پروژه های جدید و عنداللزوم پرداخت حقوق قانونی سهامداران
۷- تصویب سرمایه گذاری بخشی از نقدینگی شرکت در امر خرید طلا و نقره در صورت صلاحدید هیئت مدیره
۸- تصویب پاداش عملکرد سال مالی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ برای اعضای هیئت مدیره ، بازرسان و کارکنان
۹- تصویب حقوق و مزایای مدیر عامل ، حق الزحمه بازرسین وحق الجلسه هیئت مدیره برای سال مالی ۱۴۰۶-۱۴۰۵
۱۰ - انتخاب بازرسین شرکت برای سال مالی ۱۴۰۶-۱۴۰۵
سهامدارانی که شخصا امکان حضور در مجمع را ندارند میتوانند به فرد دیگری از میان اعضا یا خارج از آنان وکالت بدهند. هرعضو میتواند وکالت سه نفر و افراد غیر عضو شرکت صرفا میتوانند وکالت یک نفر را داشته باشند. وکالتنامه ها باید در ساعت اداری تاریخ ۱۴۰۵/۹/۱ با حضور عضو متقاضی به همراه نماینده خود درمحل شرکت توسط بازرس شرکت تائید گردد . ضمناً افرادی که منع قانونی نداشته و تمایل به کاندیداتوری برای بازرسی شرکت را دارند باید ظرف مدت پنج روز پس از تاریخ این آگهی به دفتر شرکت مراجعه نموده و فرم تقاضای کتبی خود را مطابق فرم مربوطه تکمیل و به همراه مدارک لازم به دفتر شرکت تحویل داده و رسید دریافت نمایند.
هیئت مدیره شرکت ثامن سبز بوم
۱۴۰۵۱۲۹۱۵

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی مسکن مهر ۹۳ مشهد در حال تصفیه بشماره ثبت ۳۱۰۵۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۶۲۷۸۸ (تاریخ انتشار : ۱۴۰۵/۰۷/۲۹)

بدینوسیله از کلیه اعضاء دعوت میشود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی مسکن مهر ۹۳ مشهد (در حال تصفیه) که در ساعت ۹:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۱ به آدرس مشهد، خیابان هنرستان ۱۵، پلاک ۲ تشکیل می شود حضور به هم رسانند.
در صورتی که حضور عضوی در جلسه مذکور میسر نباشد میتواند حق رأی خود را به موجب وکالتنامه به عضو دیگری یا نماینده خود واگذار نماید. در این صورت تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر ۳ رأی و غیر عضو فقط یک رأی می تواند باشد.
روزهای سه شنبه ۱۴۰۵/۰۸/۰۵ تا پنج شنبه ۱۴۰۵/۰۸/۰۷ از ساعت ۹ الی ۱۳ جهت ارائه وکالت نامه به اتفاق وکیل و موکل و مدارک شناسایی به آدرس مشهد، خیابان هنرستان ۱۵، پلاک ۲ مراجعه نمایند.
دستور جلسه:
۱- تغییر مکان تصفیه شرکت تعاونی
هیئت تصفیه تعاونی مسکن مهر ۹۳ مشهد
۱۴۰۵۱۳۰۷۰

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم

شرکت تعاونی کشاورزی زیره و زرشک کاران خراسان- مرکز گناباد بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی کشاورزی زیره و زرشک کاران خراسان مرکز گناباد می رساند براساس صورتجلسه شماره ۴ مورخ ۱۴۰۵/۷/۵ هیات مدیره شرکت مقرر شده جلسه مجمع عمومی شرکت در روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۸/۶ ساعت ۱۰ صبح در محل مسجد صاحب الزمان عج گناباد نبش ناصر خسرو ۲۲ با دستور ذیل برگزار گردد. لذا از کلیه صاحبان سهام شرکت تعاونی مذکور یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می شود در تاریخ و ساعت تعیین شده برای شرکت در جلسه مجمع مزبور حضور بهم رسانند.
دستور جلسه به شرح ذیل است:
۱-استماع گزارشات هیات مدیره و بازرسان
۲-اخذ تصمیم درباره گزارش ها و پیشنهادات حسابرسان براساس نتایج حسابرسی سالهای مالی ۱۴۰۱، ۱۴۰۲و ۱۴۰۳ شرکت
۳-تعیین خط مشی و برنامه های شرکت تصویب بودجه مالی ۱۴۰۶
۴-انتخاب هیات مدیره شرکت برای مدت ۳ سال مالی
۵-انتخاب بازرسان برای مدت ۱ سال مالی
۶-اخذ تصمیم نسبت به پرداخت سود سهام و مازاد برگشتی سالهای مالی ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ و تقسیم آن طبق اساسنامه و افزایش میزان پرداختی سود سهام
۷-اخذ تصمیم در مورد احداث ۲ کارخانه برای شرکت از محل درآمد های شرکت
هیات مدیره شرکت تعاونی کشاورزی زیره و زرشک کاران خراسان –مرکز گناباد
۱۴۰۵۱۲۹۷۲

((آگهی مزایده عمومی))
مجموعه زیپلاین شهرداری درود

شهرداری درّود در نظر دارد با استناد به مجوز شورای محترم اسلامی شهر درّود بهره برداری مجموعه زیپلاین خود را به مدت ۵ سال به فرد واجد شرایط واگذار نماید
شرایط شرکت در مزایده :
۱. کلیه پیشنهاد دهندگان در مزایده بایستی مبلغ ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال را به عنوان سپرده شرکت در مزایده به شماره حساب ۳۱۰۰۰۰۳۴۵۵۰۰۵ نزد بانک ملی شعبه درود واریز نمایند.
۲. پیشنهاد دهندگان بایستی پیشنهادات خود را با توجه به درصد پیشنهادی از سود مجموعه با پایه مشارکت ۴۰ درصد سهم شهرداری از سود (کلیه هزینه ها با نظارت و مجوز شهرداری از محل فروش بلیت صورت میگیرد)، حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۸/۰۷ در پاکت لاک و مهر شده محتوی فیش سپرده بانکی - سوابق و رزومه - برگ پیشنهادی با عدد و حروف خوانا بدون قلم خوردگی همراه با آدرس و ذکر شماره تلفن پس از امضا به دبیرخانه شهرداری تسلیم و رسید دریافت دارند .
۳. هرگاه برنده اول و دوم و سوم مزایده پس از اعلام شهرداری ظرف مدت ۷ روز نسبت به عقد قرارداد اقدام ننمایند سپرده آنها به نفع شهرداری به ترتیب ضبط خواهد شد.
۴. تهیه اقلام و تجهیزات مصرفی من جمله تجهیزات محافظ ، ست های انفرادی و ... بر عهده پیمانکار می باشد و هزینه بیمه تامین اجتماعی و حقوق و مزایای پرسنل شاغل در مجموعه با تاییدیه شهرداری از محل فروش بلیت خواهد بود و مبنای محاسبه درصد شهرداری از محل سود مجموعه پس از کسر هزینه ها می باشد و با گزارش از سیستم فروش الکترونیکی که با نظارت شهرداری در محل نصب خواهد شد به صورت ماهانه محاسبه خواهد گردید.
* پیمانکار باید جهت راه اندازی مجموعه نسبت به استاندارد سازی اقدام نماید که هزینه های استاندارد سازی بجز موارد بند ۴ برعهده شهرداری بوده و از محل سود شهرداری بصورت ماهانه به پیمانکار عودت خواهد گردید.
۵. پیشنهادات واصله راس ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۸/۰۸ درمحل شهرداری با حضور اعضا کمیسیون معاملات شهرداری قرائت سپس برنده مشخص خواهد شد.
۶. به پیشنهادات مخدوش و فاقد فیش واریزی سپرده و ارسال پیشنهادها بعد از ساعت و تاریخ مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۷. جهت کسب هرگونه اطلاعات بیشتر متقاضیان میتوانند با شهرداری درود به شماره ۴۳۲۳۲۱۱۱ - ۰۵۱ تماس حاصل نموده و یا در ساعات اداری به امور مالی شهرداری مراجعه نمایند.
۸. شهرداری در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار است ، برندگان اول و دوم به تشخیص شهرداری بر اساس آئین نامه های ذیربط تعیین می شود و در نهایت شهرداری با رعایت صرفه و صلاح در اعلام برنده مناقصه اقدام خواهد کرد و تعهدی مبنی بر امضای پیمان با پیشنهاد دهنده پایین ترین قیمت را ندارد
۹. هزینه نشر آگهی به عهده برنده مزایده می باشد.
۱۰. بهره بردار موظف است کلیه مسائل ایمنی و شئونات اسلامی مجموعه تفریحی را رعایت نماید
۱۱. کارکنان دولت حق شرکت در مزایده را ندارند.
۱۲. تعیین مبلغ بلیت با توافق طرفین و با مجوز شورای محترم اسلامی خواهد بود.
سید مهدی حسینی– شهردار درود
۱۴۰۵۱۲۵۰۹

سالن‌های مجهز و مدرن همایش و کنفرانس خبری
مؤسسه فرهنگی قدس
سالن همایش ۲۲۰ نفر
سالن کنفرانس خبری ۱۱۰ نفر
شماره تماس رزرو و هماهنگی
(۰۵۱)۳۷۶۸۵۰۱۱
مشهد؛ نبش سجاد یک
ویدئو پروژکتور | پرده نمایش و تلویزیون | اتاق مانیتورینگ | تجهیزات صوتی پیشرفته | امکانات تصویربرداری | سالن پذیرایی مجزا